

اشاره:

در بخش نخست هزار و یکصد و شصت و هشتمین نشست هیأت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران که با حضور تعدادی از اعضای هیئت مدیره دوره‌های گذشته و نمایندگان سایر تشکلهای نساجی و پوشاک کشور برگزار شد، برخی از دوستان و همکاران زنده‌یاد مهندس سیدمحمد مروج- رئیس اسبق هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران و رئیس سابق کانون عالی کارفرمایان کشور- به بیان خاطرات و خصوصیات ارزشمند ایشان پرداختند و نام و یاد وی را گرامی داشتند. پس از سخنان کوتاه میهمان این بخش یعنی مهندس روزبه مروج حسینی-، نوبت به سخنرانی مهندس سیدمحمد بهشتی- عضو شورای عالی میراث فرهنگی و رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی- رسید تا در مورد ابعاد تاریخی و فرهنگی صنایع نساجی ایران و همچنین توسعه صنعتی در کشور بپردازد.



من اینجا ریشه در خاکم...

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

گزارشی از برگزاری نشست هیئت مدیره ادوار انجمن صنایع نساجی ایران

می‌کرد: «من اینجا ریشه در خاکم...» او اعتقاد دارد در این کارزار توان فرسا هم به ذهن سلیم و هم به قلب پاک نیازمندیم. او اعتقاد دارد شکوه زندگی در این نیست که هرگز به زانو درنیاییم بلکه در این است که هر بار افتادیم دوباره بایستیم. او اعتقاد دارد آزادی به پاره کردن زنجیرها از دست و پا خلاصه نمی‌شود بلکه به احترام گذاشتن به آزادی دیگران نیاز دارد. او اعتقاد دارد دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند از عهده مسائل و مشکلات برآیند زیرا مسائل کنونی بسیار پیچیده و منابع دولتی محدود است پس مجبورند به سوی الگوهای مشارکتی و استفاده از بخش خصوصی حرکت کنند؛ طبعاً بخش خصوصی ضعیف، ناتوان و تحت فشار، نمی‌تواند به دولت کمک کند. رسالت اصلی در این زمینه را به عهده دانشگاه‌ها می‌دانست زیرا بخش خصوصی بدون نیروی انسانی عالم و توانا

مدت نکته‌ای نبود که برای زندگی خانوادگی‌ام، حرفه‌ای و اجتماعی‌ام از وی نیاموزم و موردی وجود نداشت که این بزرگوار به‌عنوان رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران آن را به نتیجه غایی و نهایی نرساند. وی ادامه داد: سال ۱۳۹۶ در مراسم بزرگداشتی که انجمن صنایع نساجی برای ایشان برگزار نمود (که در آن حضور نیافتند) در یادداشتی عنوان کردم « طوفان که تمام شد همان شخص قبل از طوفان نیستی، ما قدرت زیادی به دست آورده‌ایم و در این طوفان ویرانگر آزاردهنده سال‌های سخت و بحرانی صنعت کشور به خصوص دوران طولانی تحریم‌ها و اثرات آن سکان متلاطم صنعت کهن، ارزشمند و اشتغال آفرین صنعت نساجی کشور با ناخدایی مدیر، مدبر، خردمند، با تجربه، دلسوز و بسیار مهربان به نام مهندس مروج حسینی در دست گرفته بود و با اعتقاد به اصالت خود و جامعه صنعتی به خصوص نساجی کشور همیشه زمزمه

پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم و قرائت فاتحه‌ای نثار روح زنده‌یاد مهندس محمد مروج حسینی، ناهنگ کوتاهی از گزیده تصاویر و سخنرانی‌های ایشان در محافل مختلف صنعتی پخش شد. سپس دکتر شاهین کاظمی-نائب رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران- ضمن خوشامدگویی به میهمانان از همکاران و دوستان ایشان خواست تا به بیان خاطرات خود از مهندس مروج بپردازند

=====

دکتر علیمردان شیبانی- عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران- عنوان داشت: از مهندس سیدشجاع‌الدین امامی رثوف- دبیر انجمن- که به نمایندگی از جامعه نساجی کشور در مراسم تشییع و بزرگداشت مهندس مروج حضور داشتند؛ صمیمانه قدردانی نمایم. بنده ۹ سال افتخار شاگردی این بزرگمرد را داشتم و در این

ن.ا.م.ر.ن

مهندس نیک‌نژاد - عضو سابق هیئت مدیره



مرهون ایشان دانست و گفت: مهندس مروج را انسان بسیار بزرگی می‌دانم. حدود ۵۰ سال پیش از دانشگاه و دانشی که ارتباطی به نساجی نداشت وارد این صنعت شدم. پس از راهاندازی کارخانه ریسندگی رسول اصفهان، به تدریج شیفته نساجی شدم و دانش آن را فرا گرفتم. مهندس مروج تنها کسی بود که به من گفت: «می‌دانم در نساجی تبحر زیادی نداری، اما من هستم و هر جا مشکلی پیش آمد که قادر به حل آن نبودی به من مراجعه کن»

زمانی که دامنه فعالیت‌های قالی سلیمان و ریسندگی رسول افزایش پیدا کرد، ادامه شراکت با ۳۲ نفر برایم بسیار پیچیده بود و از این موضوع بسیار خسته و ناراحت بودم در عین حال هیچ راهی برای رفع آن به نظرم نمی‌رسید. روزی در پایان یکی از جلسات هیئت مدیره انجمن موضوع را با مهندس مروج در میان گذاشتم. مرا بسیار امیدوار کرد حتی بیشتر از روزهای نخست ورود به صنعت نساجی! از کم‌سوادی و بی‌اطلاعی شرکاء گلایه کردم و گفتم: ای کاش روز اول راهاندازی کارخانه، با امثال شما و آقای مهندس حمیدی شریک می‌شدم. این بزرگمرد گفت: اتفاقاتی که ظرف مدت کوتاهی این شرکت پر رونق را به امثال شرکت‌های ما که دانش فرش ماشینی داشتیم و مهندس نساج بودیم رساندی؛ اگر با ما شریک بودی مطمئن باش به چنین جایگاهی ارزشمندی در صنعت فرش ماشینی دست پیدا نمی‌کردی.»

دکتر عباس آیت‌اللهی - استاد اسبق دانشگاه - در سخنان خود به توجه ویژه مهندس مروج به برقراری ارتباط میان صنعت و دانشگاه پرداخت. وی افزود: از زمانی

دکتر شیبانی - عضو هیئت مدیره



محسوب می‌شوند؛ فراهم نماییم و این امر میسر نخواهد شد مگر در سایه توجه بیشتر دولتمردان و هیئت حاکمه کشور به صنعت کهن نساجی. مسلماً شنیدن چنین قول مثبتی، تپش قلب بزرگ و مهربان مهندس مروج را (که به دلیل کسالت در جمع ما حضور ندارند) پرتپش‌تر خواهد کرد. در پایان پیام شعرگونه‌ای که چند روز پیش توسط فرزند برومندش مهندس روزبه مروج به من رسید و نشان‌دهنده بزرگواری‌ها فروتنی‌ها و گذشت همیشگی ایشان است را به سمع شما می‌رسانم:

هر که ما را یاد کرد ایزد مر او را یار باد
هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد
هر که اندر راه ما خاری فکند از دشمنی
هر گلی از باغ وصلش بشکفت بی‌خار باد
در دو عالم نیست ما را با کسی گرد و غبار
هر که ما را رنجه دارد، راحتش بسیار باد...

مهندس محسن نیک‌نژاد - عضو سابق هیئت مدیره انجمن - هم در سخنان کوتاه خود از اقدام ارزشمند انجمن مبنی بر دعوت از اعضای هیئت مدیره ادوار گذشته تقدیر کرد. از سال ۱۳۳۵ در صنعت نساجی حضور داشته‌ام و آخرین دستاورد خود را ایجاد دانشکده نساجی در مشهد می‌دانم.

دکتر حسن کاردان - عضو سابق هیئت مدیره انجمن - نیز به ذکر خاطراتی از مهندس مروج پرداخت و بیشترین اطلاعات و آموخته‌های خود از صنعت نساجی را

مهندس روزبه مروج



نمی‌تواند موثر و مفید باشد. او به درستی معتقد است بخش خصوصی بدون داشتن تشکلهای قوی و هدفمند نمی‌تواند رشد کند و تعامل پویا و سازنده با دولت و جامعه داشته باشد. جامعه نساجی کشور افتخار آن را داشت که حدود ۱۷ سال در تمام فراز و نشیب‌ها، چنین مردی را در کنار خود داشته باشد و از رهنمودها، دورنگری‌ها، صبر و اندیشه ارزشمندش بهره‌مند گردند اما متأسفانه از طرفی به دلیل شرایط جسمانی و از سوی دیگر به دلیل فشار کار (شاید نداشتن همراهانی مناسب و همدل) و پاره‌ای اختلافات سلیقه که ایشان هیچ‌گاه در این مورد سخنی بر زبان نیاوردند؛ از ابتدای سال ۱۳۹۶ از داشتن چنین مدیر خردمند و پر توانی محروم گردید و در نهایت ناباوری هیئت مدیره انجمن در اولین جلسات سال ۱۳۹۶ استعفای چنین بزرگمردی را دریافت کرد. شاید یکی از سخت‌ترین جلساتی که انجمن ۵۴ ساله نساجی برگزار کرد، جلسه‌ای بود که این استعفا در آن مطرح شد. تمام اعضای هیئت مدیره و نساجان صمیمی و دلسوز کشور برای انصراف ایشان تلاش‌های بسیاری به عمل آوردند ولی ایشان بر این تصمیم پابرجا ماندند و ماندند و انجمن صنایع نساجی ایران و یا بهتر است بگویم کل صنعت نساجی کشور از داشتن مدیری دانش‌محور و پر تلاش بی‌بهره شدند. اینک وظیفه خانواده بزرگ صنعت نساجی کشور بسیار دشوارتر شده است. از طرفی گرفتار انبوه مشکلات و قوانین و مقررات دست و پاگیر و ضد تولید هستیم که دیگر صدایی و به عبارت بهتر گلویی برای بیان مکرر درخواست‌ها و رفع آن وجود ندارد از سوی دیگر وظیفه انسانی خود می‌دانیم زمینه اشتغال را برای جوانان که ارزشمندترین سرمایه کشور

دکتر حسن کاردان - عضو سابق هیئت مدیره



که مهندس مروج فعالیت خود را در صنعت فرش ماشینی کاشان شروع کردند احترام خاصی برایشان قائل بودم چون دانش آموخته مهندسی مکانیک بودند اما در صنعت نساجی به پیشرفت‌های خوبی دست یافتند. در تهران نیز هر چند عضو انجمن صنایع نساجی ایران نبودم ولی گهگاه ارتباطاتی داشتیم و به درایت و مدیریت ایشان کاملاً واقف بودم به خصوص حدود ۱۲ سال پیش هنگام برگزاری کنفرانس ملی مهندسی نساجی که در دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد از نزدیک شاهد تلاش‌های مستمر ایشان برای برگزاری موفق و پربار کنفرانس مذکور بودم.

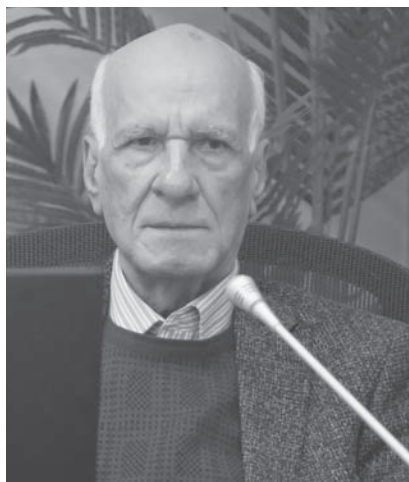
دکتر محمدعلی عامری - عضو سابق هیئت مدیره

انجمن - گفت: مدیران میانی سازمان‌ها و کارخانجات صنعتی دنیا مدیران ارشد خود را به اصطلاح از چند زاویه قبول دارند. نخست پست و سمت سازمانی و سلسله مراتب اداری، و دوم از نظر مسائل شخصیتی و تجربه، در بعضی از کشورها مانند ژاپن نیز موضوع احترام سنی مطرح است اما تنها جایی که در ایران چنین تشابهاتی وجود داشته و دارد انجمن صنایع نساجی ایران است به طوری که مهندس مروج را از چند زاویه قبول داشتیم.

ایشان به عنوان رئیس هیئت مدیره تجربه بسیاری داشتند و از شخصیت بسیار والایی بهره‌مند بودند، در خارج از جلسات انجمن نیز دولتمردان در سطح وزیر و معاونان وزیر به روی شخصیت و جایگاه ایشان حساب ویژه‌ای باز کرده بودند که مایه دلگرمی ما (اعضای هیئت مدیره انجمن) بود.

مهندس رضا حمیدی - عضو هیئت مدیره انجمن -

دکتر آیت‌اللهی - استاد اسبق دانشگاه



سخن گفتن از مردی که ۶۵ سال پیش هم‌دانشگاهی، همکار و هم‌جبهه سیاسی بودند؛ بسیار سخت عنوان کرد و افزود: ایشان در رشته تکنولوژی و من در رشته نساجی دانشگاه پلی‌تکنیک تحصیل می‌کردیم و به دلیل مسائل سیاسی بیش از سایرین به هم نزدیک بودیم. علی‌رغم تحصیل در رشته نساجی و کسب رتبه برتر در کنکور، هیچ‌گاه جرئت نمی‌کردم به وی بگویم تو که نساج نیستی! از نظر سیاسی همفکر بودیم و با همدیگر نزدیکی‌های مقامات دولتی می‌رفتیم اما یک بار پیش نیامد که لب به دروغ باز کند و مطلبی خلاف واقع عنوان نماید. از زمانی که به دلیل کسالت از ادامه حضور در انجمن کناره‌گیری کرد، بسیار آزرده شدم و امیدوارم فرزند ایشان در هر کاری که فعالیت دارند، موفق باشند و همیشه نام نیک پدرشان را ادامه دهند و حفظ کنند.

مهندس مصطفی حکیمی - عضو سابق هیئت مدیره -

ابراز داشت: ۵۰ سال به عنوان همکار و همراه در خدمت مهندس مروج بودم و از راهنمایی‌های درست و دقیق ایشان در مورد مسائل مختلف بهره‌مند می‌شدم. در کارخانه فرش راوند نکات بسیار ارزشمند مدیریتی از ایشان آموختم. مهندس مروج جزو استثناات بود، برخی انسان‌ها هر سال تولید می‌شوند و بعضی هم مانند حضرت فردوسی صدها سال سپری می‌شود اما کسی به پای وی نمی‌رسد، گاه به گاهی نیز انسان‌هایی مانند مهندس مروج پا به عرصه وجود می‌گذارند.

وی از عدم مشارکت قابل توجه صنعتگران کاشانی در

دکتر عامری - عضو سابق هیئت مدیره



مراسم بزرگداشت مهندس مروج (که در شهر کاشان برگزار شد) گلایه کرد و گفت: مهندس مروج به گردن تک تک کارخانه‌های کاشان حق دارند و اگر تلاش‌ها و پیگیری‌های ایشان نبود، امروز شاهد رشد و توسعه چشمگیر صنعت فرش ماشینی کاشان نبودیم.

مهرداد زکی‌پور - عضو هیئت مدیره اتحادیه تولید

و صادرات نساجی و پوشاک ایران - طی سخنانی بیان داشت: انسان خوشبختی بودم که در ابتدای فعالیت با انسان‌های برجسته و والایی مانند مهندس مروج در صنعت فرش ماشینی آشنا شدم. ایشان شخصیتی بودند که کلامشان، رفتارشان، طرز نشستن در جلسات و حتی طرز نگاهشان به مخاطب باعث تغییر در برداشت و دریافت‌ها می‌شد قطعاً چنین مواردی غیر اکتسابی، ذاتی و فطرتی است که در این انسان بزرگ دیدم و بزرگ‌ترین حسرت زندگی‌ام این است که در سال‌های اخیر موفق به دیدار ایشان نشدم اما به هر حال مهندس مروج انسان تأثیرگذار و ماندگاری در زندگی‌ام هستند. دوستان! انسان‌های اثرگذار در کارخانه تولید انسان خیلی تکرار نمی‌شوند پس قدرشان را در دوران حیاتشان بدانیم و ارزش و ارجشان را پاسدار باشیم. سعی کنیم فرزندان، همکاران و کارمندان خود را با ارزش قدرانی از بزرگان و انسان‌های تأثیرگذار آشنا کنیم. یادشان گرامی

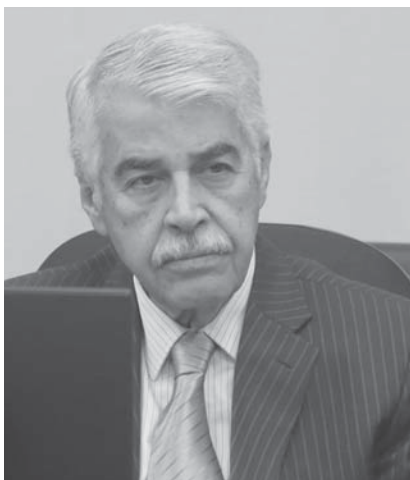
مهندس میرسعید شمس‌زاده - عضو سابق هیئت

مدیره انجمن - اظهار داشت: درگذشت بزرگمرد صنعت نساجی و به عبارتی پدر صنعت فرش ماشینی ایران را

زکی پور - عضو هیئت مدیره اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک



مهندس حکیمی - عضو سابق هیئت مدیره



مهندس حمیدی - عضو هیئت مدیره



مهندس شمس زاده - عضو سابق هیئت مدیره



مهندس حائری - دبیر و عضو سابق هیئت مدیره



تسلیم می‌گویم. نقش ایشان را به عنوان رئیس هیئت مدیره در هدایت انجمن بسیار بارز می‌دانم و دوران مدیریت ایشان یکی از درخشان‌ترین ادوار انجمن نساجی محسوب می‌شود. وی با ریاست خود خون تازه‌ای در کالبد این تشکل دمید و تمام دوستانی که در آن دوران عضو هیئت مدیره بودند می‌دانند ایشان با چه قدرت و صلابتی در سازمان‌ها، نهادهای و حتی مقابل وزرا برخورد می‌کرد و معمولاً در اغلب جلسات از ایشان حساب می‌بردند و سعی می‌کردند در جهت خواسته‌های ایشان گام بردارند.

وی افزود: سال ۶۰ به عنوان مدیرعامل فرش راوند جوان با تجربه‌ای نبود و آثاری که از ایشان در کارخانه مشاهده می‌کردم برایم تعجب‌آور بود. در وهله اول نیروی انسانی که مهندس مروج انتخاب کرده بود مدیران بسیار برجسته و توانمندی به شمار می‌آمدند و در حوزه منابع انسانی مدیریت فوق‌العاده قدرتمندی بود. به جرئت می‌توانم بگویم مهندس مروج آموزگاری بود که تا سال ۱۳۸۱ موفق به دیدار ایشان نشده بودم و آن زمان که شخصیت ایشان را با عملکرد وی در کارخانه تطبیق دادم، پی به شخصیت بزرگ و والای مهندس مروج پی بردم و بسیار خرسندم در جلسه‌ای که استعفای ایشان پذیرفته شد عضو هیئت مدیره نبودم.

=====

مهندس علیرضا حائری - دبیر و عضو سابق هیئت مدیره انجمن - ابراز داشت: از ۵ دوره‌ای که عضو هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی بودم ۳ یا ۴ دوره با مهندس مروج هم‌دوره بودم و حدود ۴ سال به طور مستقیم با ایشان کار کردم یعنی زمانی که دبیر انجمن بودم ایشان رئیس هیئت

مدیر بودند و شاید بیشترین کسی که در انجمن فعالیت‌های اجرایی با ایشان داشت به شمار می‌آمدم. خاطرات زیادی از همدیگر داریم، سفرهای بسیار داخلی و خارجی با هم رفتیم؛ بسیار مرد پرکار، با پشتکار و منضبط بودند، به دلیل صراحت بسیار بالای لهجه، از بیان دیدگاه‌های خود و انعکاس مسائل

مختلف صنعت نساجی به مسئولان و اهله‌ها نداشتند.

مهندس روزبه مروج حسینی نیز اذعان داشت: از فردی که خود و پدرش در سازندگی ایران تلاش بسیاری کرده بودند، پرسیدند: نظراتان در مورد بی‌مهری مردم چیست؟ پاسخ داد: ناسپاسی خصیصه مردم است.



بود اما امروز مرفه‌ترین آنهاست چون به ظرفیت ذاتی خود پی برد. در سوئیس کارخانه فولاد یا خودروسازی نیست اما سازنده دوربین هاسلبلا (یکی از گران‌قیمت‌ترین برندهای دوربین عکاسی که به دلیل ارائه تصاویر رزولوشن بالا در دوربین‌های مدیوم فرمت در سراسر جهان شناخته می‌شود) است و یا صنایع غذایی و ساعت‌سازی آن در دنیا مطرح می‌باشد

وی اذعان داشت: در ایران صنعت ما جواهرسازی بود یعنی خالص‌ترین، گران‌ترین و ارزشمندترین محصولی که می‌توان خلق کرد. ما جواهر هر چیزی را می‌ساختیم. روزگاری بازار آهنگرهای اصفهان مرکز تولید «فولاد جوهری» بود، فولاد بسیار مستحکمی که با آن شمشیر و خنجر می‌ساختند، هرگز نمی‌شکست و در جهان شناخته شده بود. تفاوت فولاد جوهری با فولاد فلی، مانند فرق الماس است با خرمهره! وی تصریح کرد: وقتی منسوجات ایرانی راهی اروپا می‌شد از مشاهده چنین محصولاتی حیرت می‌کردند و از نحوه تولید بته جقه و ایجاد طرح و نقش هنگام بافت پارچه سر در نمی‌آوردند. به همین دلیل معتقد بودند ایرانی‌ها جادو هم می‌کنند! پس ما جواهر پارچه می‌بافتیم. علی‌رغم تمام سیاه‌نمایی‌ها و تبلیغات منفی علیه ایران، امروز یک کاخ در جهان سراغ ندارید که مفروش به فرش ایرانی نباشد. پس وقتی در هر رشته‌ای از جمله نساجی، جواهر آن را تولید می‌کردیم هیچ کسی نمی‌توانست مانع خلق آن شود؛ همان‌طور که نمی‌توان مانع انتشار بوی عطر در یک اتاق شد؛ یا این اوصاف اگر در جهان، جامعه‌ای را نتوان از صنعتی بودن عزل کرد، ایرانی‌ها هستند چه اتفاقی افتاده

می‌شود؟ صنعت چه نسبتی با ایران دارد؟ سال‌ها پیش کمیته فرهنگی در وزارت صنایع وقت راه‌اندازی شده بود و به دنبال یافتن نسبت میان صنعت و فرهنگ بودیم. یکی از بزرگان وزارت صنایع معتقد بود: «۸۰ سال است سرمایه‌گذاری در صنعت صورت گرفته اما هنوز کشور ما صنعتی نشده است» آیا می‌توان گفت «به نظر می‌رسد ایران استعداد صنعتی شدن ندارد؟ کدام ایران فاقد چنین استعدادی است؟! ایران متغیرها که طبق تجربه استعداد صنعتی شدن ندارد اما ایران باثبات چگونه؟ اصولاً صنعت چیست؟ صنعت یعنی فرآوری و ترکیب تعدادی مواد اولیه و تولید محصول جدید از آنها.

وی مهم‌ترین رکن تاریخ شهرسازی را صنعت و تجارت دانست و گفت: آغاز شهرنشینی در ایران به ۶ هزار سال پیش بازمی‌گردد به‌طوری‌که شهر سوخته، جیرفت و شوش کهن‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شوند (به اعتبار دو رکن مهم یعنی صنعت و تجارت). در فاصله ۴ هزار سال پیش محوطه‌های تاریخی در ایران وجود دارد که فقط و فقط فعالیت‌های صنعتی در آن انجام می‌شد. پس صنعت در ایران ریشه دارد ولی چگونه معتقدیم ایران استعداد صنعتی شدن ندارد؟! دچار توهم نسبت به صنعت هستیم! گمان می‌کنیم صنعت صرفاً بعد از انقلاب صنعتی ایجاد شده است. در حالی که چنین نیست. صنعت یعنی داشتن توانمندی برای خلق محصولات جدید. اولین کشور صنعتی جهان، همین‌جاست آن هم نه به صورت مقطعی بلکه مستمر و تداوم صنعتی بودن ایران از ۶ هزار سال پیش بود تا زمانی که نسبت به صنعتی شدن تردید پیدا کردیم! اکثر فعالان صنعت معتقدند که محصول صنعتی، برآمده از ماشین است در حالی که ماشین ابزار صنعتگر است و نباید صنعتگر را به اپراتور تقلیل داد.

به گفته مهندس بهشتی، سوئیس سرزمینی شبیه چهارمحال بختیاری ایران است که در کشور ما کوه‌های زاگرس و در این کشور رشته‌کوه‌های آلپ وجود دارد هیچ مرز دریایی، زمین قابل کشت و معادن چندان بزرگی ندارد اما تنها کشوری در اروپاست که مرزهای آن پس از گذشت ۸۰۰ سال هنوز جایجا نشده است. در سوئیس، صنعتی پدید می‌آید که نیاز چندانی به مواد اولیه خام نداشته باشد، صنعتی که با مواد اولیه کم ارزش افزوده بالا ایجاد کند. صنعت اسلحه‌سازی اروپا (شمشیر، نیزه، کمان و امثالهم) در اختیار این کشور قرار داشت و سلاح اغلب جنگ‌های اروپا را سوئیس تأمین می‌کرد. تا ۱۵۰ سال پیش یکی از فقیرترین کشورهای اروپا

در بخش بعدی، مهندس سیدمحمد بهشتی - عضو پیوسته فرهنگستان هنر و رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی - عنوان کرد: مدت‌هاست با توجه به مطالعات، تجربیات و حضور در عرصه‌های فرهنگی به یک نتیجه قطعی رسیده‌ام که یکی از مشکلات اصلی در کشور ما این است که پرسش از ایران نمی‌کنیم و یا نمی‌دانیم پرسش از ایران در رشته‌های مختلف به چه معناست. بسیاری تصور می‌کنند پرسش از ایران برای کسانی که در علم جغرافیا یا حوزه تاریخ فعال هستند، موضوعیت دارد در حالی که هیچ‌کسی در هیچ رشته‌ای وجود ندارد که پرسش از ایران برایشان ضروری نباشد و گاه این سوال پیش می‌آید که برای مثال در رشته نساجی چه پرسشی از ایران مطرح می‌شود؟

وی افزود: برخی امور متغیر هستند و به سرعت دچار تغییر می‌شوند و آهنگ تحول بعضی از امور آهسته‌تر است. یک ایران داریم که مجموعه‌ای از متغیرهاست و یک ایران که مجموعه‌ای از امور ثابت را تشکیل می‌دهند در این گفتار منظورم ایران دوم است مثلاً جمعیت ایران حدود ۹۰ میلیون نفر است. ۳۰ سال پیش بالغ بر ۷۰ میلیون نفر بود و جمعیت مرتباً تغییر می‌کند اما ایران کدام است؟ کشوری که ۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد؟ یا کشوری که ۷۰ میلیون نفر جمعیت داشت؟ حافظ می‌فرماید: «خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوند ناگه دار از زوالش»، منظور حافظ کدام شیراز است؟ شیرازی که امروز ما می‌شناسیم و دارای سیستم‌های شهری، آب، برق، فاضلاب، بیمارستان، دانشگاه و... است یا شهری که روزگاری حافظ در آن می‌زیست؟ اما در عین حال متوجهیم وقتی عنوان می‌کنند شیراز و وضع بی‌مثالش، منظور شیرازی است که متغیرهایی مانند برق، گاز، دانشگاه و... در آن موثر نیست و هنوز هم در زمان ما می‌توان این شعر را خواند و لذت برد. پس پرسشی که باید از ایران در حوزه نساجی داشته باشیم، به چه صورت است؟ مهندس بهشتی یادآور شد: درخت گردو تمام زمستان بدون برگ است، فصل بهار جوانه می‌زند و به تدریج میوه می‌دهد و زمانی که برگ و بار درخت گردو را مشاهده کنید متوجه خواهید شد که پیوسته در حال تغییر است اما تنه و ریشه آن چندان دچار تحول نمی‌شود؛ پس عمر متغیرها کوتاه است و به سرعت دچار دگرگونی می‌شوند لذا نمی‌توان به آنها تکیه کرد. یکی از سوالات مهم این است که وقتی نساجی را به صفت صنعت را ایران پرسش می‌کنیم؛ چه دریافتی حاصل



تا صد سال پیش مهم‌ترین مرکز تولید منسوجات حاشیه غربی کویر از کرمان تا قم بود. مگر در این بخش پنبه کشت می‌شد یا مراتع وسیع برای دامپروری و تهیه پشم وجود داشت؟! مازندران مهم‌ترین منبع تولید مواد اولیه منسوجات مانند کتان، پنبه، ابریشم و پشم به شمار می‌آمد و هنرشان تولید مواد اولیه مرغوب بود و در عین حال پارچه زربفت یا ترمه تولید نمی‌کردند

وی با ذکر این مطالب که چرا امروز محصولی در ایران تولید نمی‌شود تا دنیا خریدارش باشد، افزود: این عدم اعتماد به نفس، محصول عدم اعتماد نسبت به ایران است. دیگر سرزمین‌مان را به جا نمی‌آوریم بنابراین خودمان را هم به جا نمی‌آوریم! خوشبختانه به مرحله‌ای رسیده‌ایم که دیگر نمی‌توان بر روی درآمدهای نفتی حساب کرد لذا چاره‌ای نداریم جز رجوع به اهلیت خود، یعنی «ایرانی» شویم و انتخاب دیگری نداریم.

مهندس بهشتی در پایان پیشنهاد راه‌اندازی «موزه تاریخ نساجی» را مطرح کرد و گفت: موزه یعنی به یاد آوریم چه کسانی هستیم و سرزمینمان کجاست و معتقدم هیچ چیزی در دنیا وجود ندارد که گذشته‌ای نداشته باشد و هر چیزی که به گذشته مربوط می‌شود به نوعی ردپایی از ایران و ایرانی در آن وجود دارد.

می‌تواند محصول بلامنازع و کاملاً بی‌رقیب پدید آورد. ما شعر همه چیز را می‌سراییم شاعران ما فقط حافظ و فردوسی نیستند چون غذاهایمان، شعر غذاست، پل خواجه شعر پل است، حمام گنجعلی خان شعر حمام است، خانه عامری‌ها شعر خانه است، زربفت و مخمل ما شعر پارچه است. امروز تولید ارزش نمی‌کنیم، زمانی ارزش خلق می‌شود که نتوان محصول را دور انداخت. آیا می‌توانید ترمه یا بقچه نفیس مادرزنگان که به شماراثر رسیده را دور بیندازید؟

وی گفت: آیا می‌دانید تنها محصولی که همین امروز از ایران صادر شود و در عرصه‌های بین‌المللی آبرومند باشد؛ هنر ماست؟ نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر و سینمای ماست؛ موارد مذکور همگی صنعت هستند و خوشبختانه هنوز در آنها خلاقیت اتفاق می‌افتد!

هیچ حراجی معتبر در دنیا را سراغ ندارید که حداقل چند قطعه از آثار هنری ایران را عرضه نکند. پس هنوز بارقه‌هایی از سال‌های دور وجود دارد و باید پرسش از ایران داشته باشیم و به تبع انرژی ما به دنبال خلق محصولاتی می‌رود که نیازی به درج «ساخت ایران» نداشته باشد و هر نقطه‌ای از دنیا به نام ایران شناخته شود. شاید این سخنان به نظر تان غریب به نظر برسد ولی حداقل ۶ هزار سال با این نسخه عمل می‌کردیم و صد سال است این نسخه را زمین گذاشته‌ایم.

که سوال می‌کنیم ایران می‌تواند صنعتی شود؟! ببینید چقدر دچار سوءتفاهم هستیم! آیا امروز خلاقیت داریم؟ مشکل ما اینجاست هر چه می‌خواهیم اختراع کنیم از قبل اختراع شده است همان‌طور که پیش از اسنپ، دیجی کالا و نشان، اوبر، آمازون و ویز خلق شده‌اند! صدها سال پیش، محصولاتی پدید می‌آوردیم که در جهان بی‌سابقه بود. ما سفال را اختراع کردیم، محصولی که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در حیات بشر دارد چون تا پیش از اختراع سفال مردم جهان فقط می‌توانستند غذا را کباب و برشته کنند ولی سفال به انسان اجازه داد غذا را بیزدبه اعتقاد وی، بسیاری از محصولات که امروز بشر از آنها استفاده می‌کند اختراع ایرانی‌هاست. ایرانی‌ها حیوانات و گیاهان را اهلی کردند، برای اولین بار ایرانی‌ها ساختمان ساختند و کهن‌ترین خشت‌های دنیا برای اینجاست، در ایران برای اولین بار فلز کشف، آلیاژ ساخته و پارچه بافته شد. استخراج عطر گل‌ها برای اولین بار در این کشور انجام گرفت و به طور کلی هر چیزی که ممکن بود از قوه به فعل تبدیل شود رد و نشانی از ایران دارد. ایرانیان همواره به دنبال عرصه‌های فتح نشده بودند اما امروز دچار اختلال در اهلیت شده‌ایم. شناسنامه‌های ما صادره از ایران است ولی به مثابه اهل ایران با سرزمین‌مان مواجه نمی‌شویم که در این صورت هر چیزی دست کیمیاگر ما قرار گیرد

انا لله و انا اليه راجعون خانواده محترم مروج حسینی



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت

جناب آقای مهندس محمد مروج حسینی

از پیشکسوتان و چهره‌های ماندگار صنایع نساجی کشور را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و بردباری مسئلت داریم.

تحریریه ماهنامه نساجی امروز